

دو فصلنامه پژوهشنامه نسخه‌شناسی متون نظم و نثر فارسی

سال هفتم، شماره هفدهم، بهار و تابستان ۱۴۰۱

شناسایی مخاطب رساله‌ جوابیه‌ محدث نوری به شبهات بر فصل الخطاب^۱

کاظم استادی^۲

کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران

چکیده

در پژوهش‌های جدید، مشخص شده است که آقابزرگ تهرانی در شناسایی و معرفی کتاب کشف‌الایرتیاب و ارتباط آن با جوابیه‌ محدث نوری بر شبهات فصل الخطاب، دچار اشتباه یا سوءتفاهم بوده است و طبق شواهدی، جوابیه‌ محدث نوری در رد کتاب کنونی کشف‌الایرتیاب، اثر شیخ محمود معرب تهرانی، نیست. این بدان معنی خواهد بود که صاحب شبهات بر فصل الخطاب و نویسنده آن، مجهول است؛ بنابراین لازم است پرسیده شود که (۱) چه اطلاعاتی می‌توان از وضعیت شکلی و محتوایی رساله‌ جوابیه به دست آورد؟ (۲) شواهد شکلی و محتوایی رساله‌ جوابیه نوری را می‌توان با چه کسانی تطبیق داد؟ (۳) آیا می‌توان از طریق جریان‌های تاریخی پیرامون کتاب فصل الخطاب در ایران و عراق، نویسنده این اشکالات و شبهات بر فصل الخطاب را شناسایی کرد؟ (۴) مخاطب رساله‌ جوابیه‌ محدث نوری کیست؟ اکنون اطلاعات موجود ما از وضعیت شکلی و محتوایی رساله‌ جوابیه‌ محدث نوری، با دو شخصیت، یعنی میرزا ابوطالب زنجانی و محمدحسین

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۰

^۱ تاریخ وصول: ۱۴۰۰/۷/۲۳

^۲ kazemostadi@gmail.com

شهرستانی، تقریباً هماهنگ هستند؛ ولی چون، نه متن تقریظ میرزا ابوطالب بر کشف الإرتیاب دستیاب شد و نه متن رساله ردیه شهرستانی در دست است، نمی‌توان مصداق قطعی برای نویسنده اشکالات و شبهات بر فصل الخطاب تعیین کرد که مخاطب رساله جوابیه محدث نوری بوده است.

واژه‌های کلیدی

عدم تحریف قرآن؛ رساله ردیه؛ کشف الإرتیاب؛ معرب تهرانی؛ میرزا ابوطالب زنجانی؛ محمدحسین شهرستانی

۱- مقدمه

میرزا حسین بن محمدتقی بن المیرزا علی محمد النوری، از محدثان و علمای مهم شیعه معاصر و از نویسندگان پرتألیف است که حدود چهل عنوان کتاب نوشته است (نک. تهرانی، ۱۴۰۸ ق: ج ۳: ۴۸۸، ج ۱۱: ۱۸، ج ۱۵: ۲۰-۲۳ و ۲۰۲، ج ۱۶: ۲۳۱، ج ۱۸: ۱۲۴، ج ۲۱: ۵-۷ و ۲۰۰، ج ۲۳: ۳۱۲). وی به سال ۱۲۵۴ ق. در نور طبرستان متولد شد و در سال ۱۳۲۰ ق. درگذشت؛ او را در ایوان سوم باب قبله، داخل صحن مرتضوی دفن کرده‌اند (برای اطلاع بیشتر از زندگی وی نک. صحتی، ۱۳۷۴).

در اهمیت شأن محدث نوری می‌توان گفت در طول حدود صد و پنجاه سال اخیر که بر تاریخ حدیث شیعه گذشته است، کمتر «اجازه نامه روایی» یافت می‌شود که نام محدث نوری، در آن به چشم نیاید (نک. امین عاملی، ۱۴۲۱ ق، ج ۶: ۱۴۳؛ نوری، ۱۴۱۹ ق: ۴۶-۴۷؛ تهرانی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲: ۵۵۳).

صاحب *اعیان الشیعه* درباره وی می‌نویسد: «میرزای نوری، عالمی فاضل و محدث بود. تخصص و تبخر او در علم رجال و حدیث، زبانزد خاص و عام بوده و همه دانش او را در

این دو حوزه، به خوبی می‌دانستند. علاوه بر این، در سیره و تاریخ نیز متخصص و آگاه بود و به طور خلاصه، می‌توان او را از جهت احاطه بر اخبار و آثار، یگانه زمانه دانست» (امین عاملی، ۱۴۲۱ ق، ج ۶: ۱۴۳).

محدث نوری در سال ۱۲۹۲ ق. و در سن ۳۸ سالگی، کتابی تحت عنوان *فصل الخطاب فی تحریف کتاب رب الأرباب* نگاشت که در سال ۱۲۹۸ ق. منتشر شد. وی در این کتاب دلایلی در تحریف قرآن ارائه کرده است. حاجی نوری در دیباچه کتاب نوشته است: «این کتابی است لطیف که در اثبات تحریف قرآن، و فضایح اهل جور و عدوان فراهم آورده ام، و آن را *فصل الخطاب فی تحریف کتاب رب الأرباب* نام نهادم و بر سه سرآغاز و دو باب قرار دادم» (نوری، ۱۲۹۸ ق: دیباچه).

جدای از کتاب *فصل الخطاب*، حاجی نوری در سال ۱۳۰۳ ق. رساله کوچکی درباره برخی شبها و اشکالات بر *فصل الخطاب* نوشته است؛ آقابزرگ تهرانی درباره آن می‌گوید: «... و شیخنا عادتش این بود که می‌گفت: راضی نیستم از کسی که *فصل الخطاب* را مطالعه کند و نظر در این رساله را واگذارد...»؛ و در جای دیگر نوشته است: «... رساله‌ای علی‌حده در جواب شبها و نوشت؛ و پیوسته توصیه می‌نمود که: هر کس نسخه‌ای از *فصل الخطاب* نزد اوست باید این رساله را بدان ضمیمه نماید؛ به جهت آنکه این رساله به منزله متممات آن است...» (نک. تهرانی، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۶: ۲۳۱؛ همان، ج ۱۸: ۹).

این رساله *جوابیه محدث نوری*، از جهات مختلف تاریخی و علمی، برای روشن شدن برخی از مسائل مطرح شده درباره محدث نوری و نیز مسئله تحریف قرآن، بسیار مهم است.

۱-۱ بیان مسئله

پس از نشر کتاب *فصل الخطاب*، ردیه‌هایی درباره این اثر نوشته شد (نک. استادی، ۱۴۰۰ گ)؛ از میان این ردیه‌ها، طبق اسناد موجود، و بنابر نقل آقابزرگ تهرانی (نک. تهرانی، ۱۴۰۸ ق: ج ۱۶: ۲۳۲؛ همان، ج ۱۰: ۲۲۰) و به تبع او برخی دیگران، محدث نوری فقط به یکی از ردیه‌ها، یعنی *کشف الأرتیاب* شیخ محمود معرب تهرانی پاسخ داده است.

در پژوهش‌های جدید، مشخص شده که آقابزرگ تهرانی در شناسایی و معرفی کتاب کشف الأرتیاب و ارتباط آن با جوابیه محدث نوری، دچار اشتباه یا سوء تفاهم بوده است؛ یعنی طبق شواهدی، جوابیه محدث نوری در رد کتاب کنونی کشف الأرتیاب، اثر محمود بن ابی القاسم (معروف به معرب تهرانی) نیست. این شواهد عبارت است از: ۱) سؤال و جواب‌های رساله جوابیه، بی‌ربط به کشف الأرتیاب هستند؛ ۲) مخاطب جوابیه از ارکان اعظم بوده است؛ ۳) معرب تهرانی، به نوعی ناشناخته و در حد نوری نبوده است؛ ۴) کشف الأرتیاب کنونی سخنان ناشایست به اهل علم و تقوی ندارد؛ ۵) نسبت صفحات ردیه، ناهماهنگ با حجم کشف الأرتیاب است؛ ۶) رساله در جواب «اوراق» و «مرسله» است، نه کتاب؛ ۷) زبان رساله ردیه، هماهنگ با زبان کشف الأرتیاب نیست.

اکنون که مشخص شده است جوابیه محدث نوری، ارتباطی با کشف الأرتیاب و شخص معرب تهرانی ندارد، به این معنی خواهد بود که صاحب شبّهات بر فصل الخطاب و نویسنده آن، مجهول است؛ بنابراین لازم است پرسیده شود: ۱) چه اطلاعاتی می‌توان از وضعیت شکلی و محتوایی رساله جوابیه به دست آورد؟ ۲) شواهد شکلی و محتوایی رساله جوابیه نوری را می‌توان با چه کسانی تطبیق داد؟ ۳) آیا می‌توان به وسیله جریانات تاریخی پیرامون کتاب فصل الخطاب در ایران و عراق، نویسنده این اشکالات و شبّهات بر فصل الخطاب را شناسایی کرد؟ ۴) مخاطب رساله جوابیه محدث نوری کیست؟

۲-۱ پیشینه پژوهش

نوشته‌ها و مقالات و کتاب‌های متعددی درباره کتاب فصل الخطاب محدث نوری نوشته و منتشر شده است که اکثر آنها در کتابشناسی عدم تحریف قرآن، در دسترس است (نک. استادی، ۱۳۹۶)؛ اما تاکنون مقاله یا کتابی درباره رساله جوابیه محدث نوری منتشر نشده است و به نظر می‌رسد مقاله حاضر اولین پژوهش برای این رساله و کشف مخاطب آن باشد.

۲- اطلاعات نسخه‌شناسی

نسخه خطی رساله رد شبها بر فصل الخطاب یا رساله جوابیه بیست صفحه‌ای حاجی نوری، در برخی کتابخانه‌ها تحت چند عنوان فهرست‌نویسی شده است: الرد علی کشف الإرتیاب، رساله فی جواب عن شبها کشف الإرتیاب، رساله جوابیه محدث نوری، جواب ایرادات میرزای شیرازی بر فصل الخطاب (نک: استادی، ۱۴۰۰م).

نسخه‌های خطی رساله جوابیه عبارت‌اند از:

الف) نسخه دستخط اصلی محدث نوری؛ در کتابخانه آیت‌الله حکیم نجف، به تاریخ ۱۳۰۳ ق.

ب) نسخه علی محمد النجف‌آبادی به ۱۳۰۴ ق. که اکنون در دسترس نیست و ظاهراً اولین رونوشت از رساله جوابیه محدث نوری است.

ج) نسخه کتابخانه ناصریه لکنهوی هند که محمد مرتضی حسینی جعفری جونپوری قبل از دهم رجب ۱۳۲۰ ق. آن را نسخه برداری کرده و محرر نسخه، که از علمای شبه‌قاره هند است (نک. رضوی، ۱۳۹۱: ۲۵۶)، سه و نیم صفحه در انتهای متن اصلی محدث نوری، در تأیید پاسخ‌های حاجی نوری یادداشت نوشته است (نک. حجتی، ۱۳۸۳: ۱۲۲).

د) نسخه دستخط آقابزرگ تهرانی (م. ۱۳۸۹ ق.) که اکنون از این نسخه نیز اطلاعی در دست نداریم؛ ولی تاریخ کتابت آن، طبق شواهد نسخه مجلس (۹۱۲۵) و یادداشت انتهای آن از آقابزرگ تهرانی، قبل از ۱۳۷۳ ق. است.

ه) نسخه کپی برداری شده لطف‌الله قزوینی ضیاء‌آبادی، به درخواست میرزا مهدی بروجردی که آقابزرگ تهرانی آن را مقابله کرده است؛ موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی (شماره ۹۱۲۵) به تاریخ ۱۲ محرم ۱۳۷۳ ق.

و) نسخه اهدایی رهبری به کتابخانه آستان قدس رضوی، متعلق به قرن ۱۴ هجری.

ز) نسخه ظاهراً اشتباه فهرست‌شده کتابخانه ناصریه هند که تحت عنوان جواب ایرادات

میرزای شیرازی بر فصل الخطاب در کتابخانه مرکز میکروفیلم نور هند، فهرست نویسی شده است؛ احتمالاً با فهرست نسخه جونپوری مخلوط شده است (برای اطلاع بیشتر نک. استادی، ۱۴۰۰م: ۱۰).

بنابر این اطلاعات نسخه‌شناسی، شش نسخه خطی از رساله جوابیه شناسایی شد که محل نگهداری چهار عدد آنها مشخص است.

۳- محتوای رساله جوابیه محدث نوری

رساله جوابیه حاجی نوری شامل یک مقدمه در داستان نگارش جوابیه است که یک صفحه اول جوابیه را به خود اختصاص داده است. نوزده صفحه دیگر رساله، پاسخ به سه سؤال یا شبهه اشکال‌کننده بر فصل الخطاب است.

۳-۱ مقدمه و شرح نگارش رساله

محدث نوری در مقدمه و صفحه اول رساله نوشته است:

«در محرم سنه هزار و سیصد و سه که از زیارت غدیر و عرفه، از نجف اشرف و کربلای معلی مراجعت نمودم، به مقر مألوف بلده طیبیه سرمن‌رای علی مشرفها آلف التحیه و الثناء؛ جناب مستطاب حجة الاسلام و المسلمین و تاج العلماء و سید المحققین و آیه الله فی الارضین استادنا الاعظم و طود العلم الاشم الحاج میرزا محمد حسن شیرازی، متع الله المسلمین بطول بقائه، اوراقی ابراز فرمودند، که در آن ثبت بود بعضی ایرادات بر کتاب "فصل الخطاب" حقیر که نزد ایشان فرستاده بودند، و مستدعی جواب شدند.

«جناب ایشان فرمودند: اگرچه جواب این شبهات، واضح [است]؛ ولیکن محض خوف سریان آن در عوام و عجز ایشان از جواب [مناسب است که پیشاپیش، پاسخی گفته شود]؛ علاوه بر آنکه، [صاحب] مرسل اوراق [فرستاده‌شده] از ارکان اعظم [بود] و اجابت

مسئولش، متحتم و لازم بوده؛ [پس] ملخص آن ایرادات [فرستاده شده] را در ضمن سه شبهه درآورده، جواب آن را معجزاً [و] مختصراً نوشته، ارسال داریم.

«حسب الامر امتثال نموده، در نهایت ایجاز و اختصار نوشتیم؛ و به نظر انور [میرزای

شیرازی] رساندم. [ایشان، متن رساله را] تحسین فرمودند.

«امید [است] که پس از مطالعه و نظر منصفانه در آن، برای احدی، ربه و شکی نماند؛ و

[البته] از جواب بعضی از سخنان غیرلایق به اهل علم و تقوی که در آنجا داشت، کریمانه

اعراض کردم که "وَ إِذَا مَرَّوُا بِاللَّغْوِ مَرَّوْا كِرَامًا" و "بِاللَّهِ التَّوْفِيقِ وَ هُوَ حَسْبُنَا وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ".

۲-۳ شبهه اول: با اثبات تحریف، قرآن بی اعتبار می شود

در متن سؤال آمده است: «یهود [یان خیالی] اعتراض کردند بر مسلمانان که شما بر ما

طعن می زدید که تورات شما محرف و از این جهت بی اعتبار [است]، و خود می گوید [که]

قرآن ما محرف است؛ پس [شما] با تورات [ما]، در بی اعتباری [کتاب]، شریک [هستیم] و

شما با ما در این طعن، یکسان باشید».

محدث نوری، جواب این شبهه را در چند بخش داده است:

۱- معنای تحریف در قرآن و تورات متفاوت است.

۲- دلایل تفاوت معنای تحریف در قرآن و در تورات.

۲-۱ تألیف تورات موجود، قرن‌ها بعد از موسی (ع) بوده است.

۲-۲ مطالب ناروا و اضافی در تورات کنونی موجود است.

۲-۳ تورات دارای حذف و اضافات است.

۲-۴ تورات، منسوخ و بی اعتبار است.

۳- جمع بندی به اینکه: قرآن، وجوه تحریفات تورات را ندارد.

۴- نتیجه نهایی اینکه، حذف برخی آیات قرآن، ضرری به اصل دین و اعجاز آن نمی زند.

۳-۳ شبهه دوم: با اثبات تحریف، انتساب قرآن به پیامبر منتفی می‌شود

در متن سؤال آمده است: «و نیز یهودی [خیالی] گفته که مسلمانان از پیغمبر خود چیزی به نشانه و یادگار و دستورالعمل برای امور معاش و معاد خود ندارند، جز قرآنی که آن را به آنجناب نسبت دهند؛ و خود می‌گویند که سند آن منتهی می‌شود به جماعتی که در شرع، وقعی و احترامی برای کلام ایشان نیست؛ پس برای نسبت دادن ایشان قرآن را به نبی خود، راهی ندارند.»

حاجی نوری، جواب این شبهه را در چند فصل داده است:

- ۱) تمام قرآن موجود، منتسب به خداوند است.
- ۲) تمام قرآن موجود، نازل شده‌های بر پیامبر است.
- ۳) قرآن موجود، به همان ترتیبی است که نازل شده است.
- ۴) حروف، کلمات و قرائات قرآن موجود، مطابق با قرآن منزل است.

۳-۴ شبهه سوم: با اثبات تحریف، معجزه برای پیغمبر ثابت نشود

در متن سؤال آمده است: «و نیز یهودی خیالی گفته که از پیغمبر مسلمانان معجزه بتواتر معلوم نیست؛ جز قرآن که دعوی کنند که آن معجزه نبی ما است که باقی مانده؛ و به انتهای سند (آن چنانچه گذشت) به آن جماعت [خلفا می‌رسد] که اطمینانی نیست به صدق اخبار ایشان، [پس با این وضعیت] معجزه برای پیغمبر خود نتوانند ثابت نمود.»

صاحب *فصل الخطاب*، جواب این شبهه را در چند مطلب داده است:

- ۱) قرآن منتسب به پیامبر و در حد تواتر است.
- ۲) صدق نبوت متوقف بر بقای معجزه نیست.
- ۳) معجزه بودن قرآن، متوقف بر بقای قرآن نیست.
- ۴) تحدی نشانه اعجاز است؛ حتی اگر قرآن متواتر نباشد.
- ۵) تحریف به نقصان، مانع تحدی و اعجاز قرآن نیست.

- ۶) دلایل اعجازگونه متعددی برای اثبات نسبت و صدق نبوت، در قرآن وجود دارد.
- ۷) اثبات نبوت پیامبر محتاج به اثبات اعجاز قرآن نیست.
- ۸) غیر از قرآن، معجزات بسیاری از پیامبر ظاهر شده است (نک. نوری، ۱۳۰۳ ق و استادی، ۱۴۰۰ ک).

۴- اطلاعات شکلی ما از نسخه رساله محدث نوری

برخی از اطلاعاتی که می‌توان از وضعیت شکلی و فیزیکی رساله جوابیه استنباط کرد، عبارت است از:

۴-۱ رساله جوابیه فارسی و مخاطب آن فارسی بوده است

قاعده معهود براساس شواهد تاریخی، بر این است که معمولاً در داد و ستد علمی میان علما، به‌ویژه در دوره‌های متقدم، تناسب و سنخیت زبانی، میان نوشته‌های ردیه و جوابیه برقرار بوده است.

طبق نسخه دست‌نویس رساله به خط محدث نوری، تمام بیست صفحه رساله جوابیه حاجی نوری، به زبان فارسی است؛ مگر مقداری کمی در لابه‌لای انتهای متن که حاجی نوری نقل قول‌هایی از دیگر کتاب‌ها داشته است.

بنابراین، این وضعیت زبان رساله می‌تواند گویای این نکته باشد که به احتمال بسیار قوی، متن نوشته نویسنده شبها و اشکالات بر فصل الخطاب نیز فارسی بوده است؛ یا قدر متقن مسئله این است که مخاطب رساله و مستشکل به فصل الخطاب، عرب‌زبان نبوده است و فارس و یا فارس‌زبان بوده است؛ تا بتواند جواب محدث را بخواند.

۴-۲ رساله محدث نوری عنوان ندارد

نسخه خطی دست‌نویس رساله جوابیه و نیز نسخه‌های نسخه‌برداری شده از آن، عنوان ندارند و همگی از عبارت «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهیرین»

آغاز شده‌اند (نک. نوری، ۱۳۰۳ ق: ۱)؛ بنابراین، تنها از مقدمه رساله مشخص می‌شود که رساله در چه موضوعی است و از عبارت «جواب این شبهات» در صفحه اول (همان)، می‌توان رساله را اینگونه نامگذاری کرد: *جواب شبهات بر فصل الخطاب*.

۳-۴ رساله خطاب صریح و نام مخاطب ندارد

متن اشکالات بر *فصل الخطاب* که برای میرزای شیرازی به صورت نامه ارسال شده است، قاعدتاً ساختار نامه‌ای داشته است و یا دست‌کم نامه‌ای به همراه رساله یا متنی مجزا، به دست میرزا رسیده است؛ اما نسخه رساله جوابیه موجود، خطاب و نام مخاطب ندارد؛ شاید این رساله نیز به همراه نامه‌ای برای مستشکل بر *فصل الخطاب* ارسال شده است و به همین دلیل، رساله جوابیه هیچ‌گونه خطاب و نامی برای مخاطب خود ندارد.

۴-۴ محدوده زمانی مکتوب مستشکل بر *فصل الخطاب*

کتاب *فصل الخطاب* در سال ۱۲۹۲ ق. تألیف و در جمادی‌الآخر سال ۱۲۹۸ ق. منتشر شده است. از سوی دیگر، تاریخ وصول مرسله مستشکل بر *فصل الخطاب* بنا بر تصریح حاجی نوری، محرم سنه هزار و سیصد و سه است (نک. نوری، ۱۳۰۳ ق: ۱). همچنین، تاریخ نگارش رساله جوابیه محدث نوری نیز ربیع‌الأول سنه هزار و سیصد و سه در شهر سامراست (نک. نوری، ۱۳۰۳ ق: ۲۰).

بنابراین این رساله جوابیه در پاسخ نوشته‌ای و نقدی است که بین نشر کتاب، یعنی جمادی‌الآخر ۱۲۹۸ ق. تا محرم ۱۳۰۳ ق. بوده است.

۵-۴ مستشکل احتمالاً در عراق بوده است

اکنون، نسخه خطی و دست‌نویس محدث نوری از رساله جوابیه، در کتابخانه حکیم نجف موجود است؛ اگر همین نسخه اصل حاجی نوری برای مستشکل بر *فصل الخطاب* ارسال شده باشد، وجود کنونی نسخه در عراق، می‌تواند گویای این نکته باشد که شخص مستشکل بر *فصل الخطاب*، در عراق و شاید در نجف ساکن بوده است. البته نسخه‌های

متعددی از رساله‌ها و کتاب‌های خطی از محل کتابت یا نگهداری جابه‌جایی مکانی دارند و این شاهد، تنها یک احتمال است.

افزون بر این نکته اخیر، این احتمال از جهت مهمی، مخدوش است؛ زیرا در این نسخه آمده است: «... حسب الأمر امثال نموده، در نهایت ایجاز و اختصار نوشتیم؛ و به نظر انور [میرزای شیرازی] رساندم. [ایشان، متن رساله را] تحسین فرمودند...» (نوری، ۱۳۰۳ ق: ۱). از این گفته برمی‌آید که نسخه دیگری در کار بوده است که حاجی نوری آن نسخه را به رؤیت میرزای شیرازی رسانده است و وی آن را تحسین کرده است؛ یعنی قاعدتاً این نسخه دست‌نویس محدث نوری که اکنون در کتابخانه حکیم و در دسترس ماست، نسخه ارسالی به مستشکل بر *فصل الخطاب* نبوده است؛ و گرنه نباید این جمله بالا در آن وجود داشته باشد.

۵- اطلاعات محتوایی که برای کشف نویسنده در اختیار داریم

از چند قسمت *جوابیه حاجی نوری*، اطلاعاتی درباره اشکال‌کننده بر او می‌توان به دست آورد:

۱-۵ مستشکل بر *فصل الخطاب*، از ارکان اعظم بوده است

در مقدمه رساله *جوابیه* آمده است: «... [صاحب] مرسل اوراق، از ارکان اعظم [بود] و اجابت مسئولش، متحتم و لازم بوده؛ [پس] جواب آن را معجلاً [و] مختصراً نوشته، ارسال داریم...» (نوری، ۱۳۰۳ ق: ۱).

بنابراین، نویسنده نامه و شبها، از شخصیت‌های اجتماعی یا سیاسی یا علمی و از «ارکان اعظم» عراق یا ایران بوده است؛ یعنی شخصیت مهمی بوده که باید سریعاً جواب وی ارسال می‌شده است.

۲-۵ سن و سال مخاطب رساله *جوابیه*

چون نویسنده نامه و شبها، از «ارکان اعظم» و شخصیت مهمی بوده است، به این معنی خواهد بود که در سال ۱۳۰۳ ق. شخص مستشکل مهم بوده است؛ بنابراین، احتمالاً

سن وی، حدود سن خود محدث نوری یا بیشتر از او بوده است. به نظر می‌رسد که برای کشف هویت نویسنده نامه لازم است به دنبال شخصیتی بگردیم که سال تولدش، حدود سال ۱۲۵۰ قمری بوده است.

۳-۵ مکان مستشکل و شکل فیزیکی نوشته اشکالات

در مقدمه رساله جوابیه آمده است: «در محرم ۱۳۰۳ که از زیارت نجف و کربلای به سرمن‌رای مراجعت نمودم؛ میرزا شیرازی اوراقی ابراز فرمودند که نزد ایشان فرستاده بودند و در آن، بعضی ایرادات بر "فصل الخطاب" ثبت بود؛ و مستدعی جواب شدند. جناب ایشان فرمودند: [صاحب] مرسل اوراق، از ارکان اعظم و اجابت مسئولش، متحتم و لازم بوده؛ [پس] جواب آن را معجلاً [و] مختصراً نوشته، ارسال داریم» (نوری، ۱۳۰۳ ق: ۱).

الف) طبق این مقدمه، رساله جوابیه در پاسخ «اوراق» و «مرسله» است؛ نه یک کتاب با ساختار مقدمه و بدنه و خاتمه. ظاهر عبارت محدث نوری گویای این مطلب است که جوابیه وی در پاسخ چند ورق کاغذ بوده است که به صورت نامه برای میرزای شیرازی ارسال شده است.

ب) طبق قراین کلمات «اوراقی»، «مرسل اوراق» و «ارسال داریم»، نویسنده شبهات بر فصل الخطاب، شخصیتی در شهر سامرا یا حتی کشور عراق نبوده است و اوراق شبهات بر فصل الخطاب به صورت نامه به دست میرزای شیرازی رسیده است. احتمالاً نویسنده نامه از ایران یا شهر دیگری در عراق به جز سامرا بوده است.

۴-۵ زاویه فکری یا شاید سیاسی مستشکل

در مقدمه رساله جوابیه آمده است: «... و [البته] از جواب بعضی از سخنان غیرلایق به اهل علم و تقوی که در آنجا داشت، کریمانه اعراض کردم که «وَ إِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا...» (نوری، ۱۳۰۳ ق: ۱).

نویسنده شبهات، جدای از طرح شبهاتش، در نامه‌اش سخنان ناشایست به اهل علم و

تقوی نیز نوشته بوده که میرزا از آنها گذشت کرده است. به نظر می‌رسد نویسنده نامه، زاویه فکری زیادی با حاجی نوری داشته است. به عبارت دیگر، شاید شخصیتی با گرایش‌های اجتماعی و سیاسی متفاوت با محدث نوری بوده است.

این زاویه فکری را حتی می‌توان به مخاصمه میان مستشکل و حاجی نوری تعبیر کرد؛ زیرا محدث نوری از ذکر نام مستشکل در رساله خود و حتی دیگر آثار خود پرهیز کرده است. حاجی نوری در خاتمه مستدرک که به آثار خود اشاره می‌کنند، به رساله جوابیه نیز تصریح دارد و می‌نویسد: «رساله فی ردّ بعض الشبهات علی کتابنا فصل الخطاب» (نوری، ۱۴۱۵ ق، ج ۹: ۳۴۵)؛ اما در اینجا و دیگر آثار و نوشته‌های محدث نوری، تصریح یا اشاره‌ای به نام مستشکل بر فصل الخطاب نیامده است.

۵-۵ مستشکل گرایش ولایی تند نداشته است

در اواسط پاسخ سؤال سوم در رساله جوابیه آمده است: «... بحمد الله تعالی، [این مطلب] مثل سایر مطالب گذشته، در کتب علماء موجود [است]؛ و لکن محتاج است به مراجعه و نظر، که بی‌دردان در دین [یعنی غیرولائیان] را فرصتی نیست؛ لهذا در این وادی [به] شبهات افتاده، خود و دیگران را به زحمت انداختند...» (نوری، ۱۳۰۳ ق: ۱۵).

از متن بالا، ظاهراً روشن می‌شود که نویسنده اشکالات، همانند محدث نوری، از ولائیان تند و تیز در مسئله جانشینی پیامبر^(ص) و ولایت حضرت امیر^(ص) و اختلافات سنی و شیعه نبوده است.

۶-۵ مستشکل متکلم یا فقیه بوده است

در اواخر پاسخ سؤال سوم در رساله جوابیه نیز آمده است: «... سبحان الله، برای محضر عدل جبار جل و علا که جای تدلیس و شبهه‌کاری نیست؛ چه عذر مهیا شده برای این افتراء که عبارت مسلمانی را چنین لباس کفری بپوشانند؛ و نسبت اعتقاد عدم وجود معجزه متواتره مطلقه به صاحبش دهند و عوام کالانعام را بشورانند و نسبت کفر و زندقه و الحاد به

او دهند. الحق، مستحق است کسی که تمام عمر را صرف در نشر معجزه و فضایل و سنن و کرامات اصحاب و علماء کرده، به او نسبت دهند که برای پیغمبر^(ص) معجزه قائل نیست؟» (نوری، ۱۳۰۳ ق: ۱۷).

نویسنده شبهاست به حاجی نوری افترای کفر زده است که وی از این نسبت، بسیار ناراحت شده و عنان صبر از کف داده است. با توجه به طبع فقها و متکلمین، در تکفیر مخالفان نظر خود، به نظر می‌رسد مستشکل فقط فیلسوف یا شخصیتی سیاسی و اجتماعی نبوده است و احتمالاً از فقها و متکلمین عصر حاجی نوری بوده است.

۷-۵ مستشکل متأثر از مناقشات بین‌الادیانی بوده است

سه سؤالی که در رساله جوابیه به آنها پاسخ داده شده، عبارت است از: (۱) «یهود[یان خیالی] اعتراض کردند بر مسلمانان که...»؛ (۲) «یهودی [خیالی] گفته که مسلمانان از پیغمبر خود چیزی به...»؛ (۳) «یهودی خیالی گفته که از پیغمبر مسلمانان معجزه بتواتر معلوم نیست؛ جز قرآن که...». (نک. نوری، ۱۳۰۳ ق.). هر سه سؤالی که در جوابیه محدث نوری آمده است، اولاً در جواب یک «یهودی خیالی» است؛ ثانیاً محتوای آنها درباره یهود و مسلمان است؛ یعنی اعتراض یهودی به مسلمان که کتاب تو نیز تحریف شده است. به نظر می‌رسد در عصر محدث نوری، مناقشات بین‌الادیانی وجود داشته است که شواهدی از آن را می‌توان از رساله جوابیه نیز به دست آورد؛ همانند:

«... چنانچه هنری مارتن انگلیسی در رساله رد بر مسلمین می‌گوید که "دعوی آنجناب نبوت را و آوردن او قرآن را معجزه خود، هر دو که متواتر است؛ اما نه از اخبار اهل اسلام بل به اعتبار خبر دادن ارباب تواریخ نصاری"؛ و در جمیع طبقات علماء و مفسرین بودند و پیوسته با یهودی و نصرانی در مقام محاجه و معارضه و تحدی به همین قرآن بودند؛ و در مقام رد طعن و ایراد آنها و سایر اصحاب مذاهب فاسده بر قرآن، جوابها نوشتند تا قریب به عهد صحابه...» (نک. نوری، ۱۳۰۳ ق: ۶).

هنری مارتن (م. ۱۲۲۷ ق.) کشیش انگلیسی است که در سال ۱۲۲۶ ق. از هند به ایران آمد؛ او در مدت یک سال، به مناظره با علمای اسلامی ایران اقدام کرد و رساله‌ای در رد نبوت پیامبر اسلام منتشر کرد. پس از آن، بارها علمای شیعی این رساله را رد کردند (برای نمونه نک. نراقی، ۱۳۸۵: ۳۲). این وضعیت مناقشات جدلی کلامی بین‌الادیانی در عصر محدث نوری تا جایی پیش رفت که ردیه‌نویسی بر مبلغان غیرمسلمان به یک ژانر در ادبیات دینی سده سیزدهم هجری بدل شد (نک. سائلی، ۱۳۸۹؛ اسفندیار، ۱۳۸۶). بنابراین، به نظر می‌رسد که مستشکل بر *فصل الخطاب* نیز شخصیتی متأثر از مناقشات بین‌الادیانی بوده است و شاید دستی در اینگونه مباحثات و مناظرات بین‌الادیانی داشته است که با انتشار کتاب *فصل الخطاب*، برخی از استدلال‌های وی در این مناظرات و مناقشات، خنثی می‌شده‌اند.

۶- گاهشمار رساله‌ جوایبه

طبق اطلاعات نسخه‌شناسی و نیز شرح حال و ترجمه‌ افرادی که نامشان پیرامون این رساله ذکر شده است و وقایع مرتبط با آن، می‌توان گاهشماری را برای تمرکز بهتر برای کشف هویت مخاطب رساله‌ جوایبه تدوین کرد که عبارت است از:

عنوان	روز	ماه	سال ق.	ملاحظات
تولد محدث نوری	۱۸	شوال	۱۲۵۴	
تولد محمدحسین شهرستانی	۱۵	شوال	۱۲۵۵	
تولد میرزا ابوطالب زنجانی			۱۲۵۷	
حافظ قرآن شدن محمدحسین شهرستانی و رفتن به کربلا		(حدودی)	۱۲۶۸	
ورود حاجی نوری به نجف و تحصیل در آن			۱۲۷۳	
تلمذ حاجی نوری در درس شیخ عبدالحسین طهرانی			۱۲۷۸	
تلمذ حاجی نوری در درس شیخ مرتضی انصاری			۱۲۸۰	
عزیمت میرزا ابوطالب زنجانی به نجف			۱۲۸۱	

	۱۲۸۶			تلمذ حاجی نوری در درس میرزای شیرازی
	۱۲۸۶			بازگشت میرزا ابوطالب زنجانی به ایران و زنجان
	۱۲۹۱			مهاجرت حاجی نوری به همراه میرزای شیرازی به سامرا
	۱۲۹۲	جمادی‌الآخر	۲۱ یا ۲۸	تاریخ فراغت حاجی نوری از تألیف کتاب فصل الخطاب
	۱۲۹۳	ربیع‌الأول	۱۱	تولد آقابزرگ تهرانی
	۱۳۹۳	رجب	۱۲	نسخه خطی فصل الخطاب، کاتب محمد نهاوندی
	۱۲۹۷			دومین سفر زیارت امام رضا (ع) حاجی نوری از سامراء به مشهد
	۱۲۹۸	احتمالاً رجب		شروع چاپ سنگی فصل الخطاب
	۱۲۹۸	شوال	۱۲	انتشار و پخش چاپ سنگی فصل الخطاب
	۱۳۰۰			سکونت میرزا ابوطالب زنجانی در تهران، تا آخر عمر
	۱۳۰۱	(حدودی)		نگارش چندین کتاب در رد نصارا، توسط محمدحسین شهرستانی
	۱۳۰۲	جمادی‌الآخر	۱۷	تألیف کتاب کشف الإرتیاب
	۱۳۰۲	رجب تا شوال		نگارش شبهات بر فصل الخطاب
	۱۳۰۲	ذی‌الحجه		رسیدن مرسله شبهات بر فصل الخطاب به دست میرزای شیرازی
	۱۳۰۳	محرم		در دسترس قرارگرفتن سؤالات به دست محدث نوری
	۱۳۰۳	ربیع‌الأول		نگارش رساله جوابیه توسط محدث نوری
	۱۳۰۳	ربیع‌الأول		تأیید کتاب فصل الخطاب توسط میرزای شیرازی (باتوجه به گفته نوری)
	۱۳۰۴			استنساخ رساله جوابیه نوری توسط علی محمد نجف‌آبادی
	۱۳۰۵			تکيه‌زدن شهرستانی به منسب مرجعیت، پس از وفات استادش فاضل اردکانی
	۱۳۰۶			اقامت حدوداً یک‌ساله شهرستانی در ایران و تهران و بازگشت به کربلا
	۱۳۱۰	(حدودی)		اصرار میرزای شیرازی به ابوطالب زنجانی برای عزیمت به سامرا
	۱۳۱۲	شعبان	۲۴	درگذشت میرزای شیرازی، پشتیبان محدث نوری
	۱۳۱۳ق			استنساخ کتاب کشف الإرتیاب
	۱۳۱۵	شوال	۳	درگذشت محمدحسین شهرستانی در کربلا

	۱۳۱۸	جمادی الثانی		استنساخ کتاب کشف الإرتیاب
	۱۳۲۰	جمادی الثانی	۲۷	درگذشت محدث نوری
	۱۳۲۰	رجب	۱۰	نسخه برداری جونپوری از رساله جوابیه
	۱۳۲۹	ربیع الأول	۱۵	درگذشت میرزا ابوطالب زنجانی
	۱۳۲۹			آغاز تألیف الذریعه
	۱۳۴۳			نسخه برداری اولیه آقابزرگ تهرانی از رساله جوابیه
	۱۳۷۳	محرم	۱۲	نسخه برداری طلبه لطف الله قزوینی برای بروجردی
	۱۳۷۳	محرم	۲۲	تأیید استنساخ نسخه لطف الله توسط آقابزرگ تهرانی
	۱۳۸۹	ذی الحجه	۱۳	درگذشت آقابزرگ تهرانی

۷- رساله محدث نوری در جواب شبهات کیست؟

اکنون که مشخص شد جوابیه محدث نوری، ارتباطی با کشف الإرتیاب و شخص معرب تهرانی ندارد، به این معنی است که صاحب شبهات و نویسنده آن، مجهول است و باید طبق شواهد شکلی و محتوایی رساله نوری و جریان‌های پیرامون فصل الخطاب در ایران و عراق، وی شناسایی شود. هرچند شاید دقیقاً نتوان روشن کرد که نامه ردیه بر فصل الخطاب از چه شخصیتی است؛ ولی می‌توان در این باره، احتمالاتی را در نظر گرفت. برای این منظور و پیش از ذکر احتمالات، شاید توجه به ردیه‌های زمان حیات محدث نوری بر فصل الخطاب، کارساز باشد.

۷-۱ کتابشناسی ردیه‌های دوران حیات محدث نوری

جدای از کتاب کشف الإرتیاب عن تحریف کتاب رب الأرباب تألیف محمود بن ابی القاسم مشهور به معرب تهرانی (م. ۱۳۱۲ ق.)، به تاریخ ۱۳۰۲ ق. که یک مقدمه سه فصل و یک خاتمه دارد و چندین نسخه خطی از آن به جا مانده است (نک. استادی، ۱۴۰۰)، آثاری که میانه سال تألیف فصل الخطاب (۱۲۹۲ ق.) تا تاریخ وفات محدث نوری (۱۳۲۰ ق.) در رد این اثر نگارش یافته‌اند، محدود به یک اثر معلوم و یک اثر مجهول هستند که عبارت است از:

۱-۱-۷ مرسله ردیه بر فصل الخطاب که اکنون در دسترس نیست

یعنی همین نوشته موضوع مقاله حاضر که در محرم سال ۱۳۰۳ ق. به‌عنوان نامه‌ای در رد فصل الخطاب به دست میرزای شیرازی در سامرا رسیده است و خلاصه آن مرسله، حاوی سه اشکال بر فصل الخطاب است که پیشتر بیان شد.

۲-۱-۷ رساله فی حفظ الكتاب الشریف عن شبهة القول بالتحریف

تألیف محمدحسین شهرستانی (م. ۱۳۱۵ ق.) است. آقابزرگ تهرانی این رساله را اینگونه معرفی کرده است: «رساله فی حفظ الكتاب الشریف عن شبهة القول بالتحریف، للمیرزا محمدحسین الشهرستانی المتوفی (۱۳۱۵) عند أحفاده المیرزا محمدحسین الشهرستانی بکربلاء» (تهرانی، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۱: ۱۷۶).

از این رساله نسخه خطی در فهرس خطی نیافتیم؛ نیز اطلاعاتی از نسخه چاپی آن هم به دست نیامد. البته، نسخه خطی یا عکسی آن، در اختیار میرزا مهدی بروجردی (۱۳۸۹ ق.)، مؤلف کتاب برهان روشن، بوده و حدود چهار صفحه آن را در کتاب خود یاد کرده است (نک. بروجردی، ۱۳۷۵ ق: ۱۳۸).

۲-۷ احتمال اول، میرزا ابوطالب زنجانی

سید محسن امین (م. ۳۷۱ ق.) به مناسبت معرفی شیخ محمود تهرانی، در اعیان الشیعه چنین نوشته است:

«المیرزا محمود بن ابی‌القاسم الطهرانی المعاصر له کتاب کشف الارتیاب عن تحریف کتاب رب الأرباب یرد به علی کتاب فصل الخطاب لمیرزا حسین النوری منه نسخة مخطوطة عند الشیخ عبد المولی الطریحی فرع منه مؤلفه ۱۷ جمادی الآخرة من السنة الثانية من المائة الرابعة بعد الألف هجرية. و علیه تقریظ للسید أبوطالب الموسوی الزنجانی» (امین عاملی، ۱۴۲۱ ق، ج ۱۰: ۱۰۱).

این تقریظ در دیگر نسخه‌های خطی کشف‌الایرتیاب وجود ندارد (نک. استادی، ۱۴۰۰: ل، سراسر متن) و از آن و نسخه اشاره‌شده صاحب‌اعیان اطلاعی به دست نیامد. با توجه به اشاره صاحب‌اعیان شیعه به اینکه ابتدای نسخه کتاب کشف‌الایرتیاب مدنظر وی، تقریظی از میرزا ابوطالب زنجانی بوده است، این احتمال وجود دارد که مرسله ردیه بر *فصل الخطاب*، همان نوشته ابوطالب زنجانی باشد. به این معنی که مثلاً تقریظ کتاب، به‌عنوان نامه‌ای همراه کتاب کشف‌الایرتیاب و یا جدای از کتاب، برای میرزای شیرازی ارسال شده است؛ ولی از آنجایی که محدث نوری در رساله خود، اشاره‌ای به کشف‌الایرتیاب ندارد و در خلاصه مرسله به میرزای شیرازی نیز اشاره‌ای به عنوان «تقریظ» نشده است، چندان توجیه‌پذیر نیست که این تقریظ میرزا ابوطالب زنجانی و مرسله به میرزای شیرازی، یکی باشند.

۷-۲-۱ شرح حال میرزا ابوطالب زنجانی

ابوطالب در گزارش صاحب‌اعیان، در واقع میرزا ابوطالب زنجانی (م. ۱۳۲۹ ق.) از علمای طراز اول تهران است که میرزای شیرازی به آن توجه داشت و روابط خوبی نیز با حکومت ایران برقرار کرده بود.

نامش محمد، کنیه‌اش ابوطالب و لقبش فخرالدین است و در زمان ناصرالدین شاه قاجار (حک. ۱۲۶۴-۱۳۱۳ ق.) به میرزا ابوطالب خمسه‌ای مشهور بود. پدرش میرزا ابوالقاسم زنجانی و اجدادش از زمان صفویه از عالمان مشهور و متنفذ در زنجان بودند. ابوطالب در سال ۱۲۵۷ ق. یا ۵۹ در زنجان به دنیا آمد و در سال ۱۲۷۸ ق. به نجف عزیمت کرد و به درس خارج فقه و اصول شیخ مرتضی انصاری (م. ۱۲۸۱ ق.) و شیخ راضی نجفی (م. ۱۲۹۵ ق.) راه یافت؛ نیز نه سال در درس خارج اصول سید حسین کوه‌کمری (م. ۱۲۹۹ ق.) شرکت کرد. به گفته خود زنجانی، سید حسین کوه‌کمری او را برترین شاگرد خویش می‌دانست و از او اجازه دریافت کرده است (صحرائی، ۱۳۹۵).

زنجان‌ی در ۱۲۸۶ ق. از عراق به زنجان بازگشت و از سال ۱۳۰۰ ق. به بعد، در تهران سکونت گزید و به تألیف و تدریس پرداخت. جایگاه علمی و تسلط او در شاخه‌های مختلف علوم دینی سبب شد که در مدتی اندک در زمره عالمان و مجتهدان مشهور تهران درآید. او بیشتر با اعیان و اشراف تهران معاشرت داشت و نزد شاهان قاجار احترام داشت؛ چندان‌که شاهان قاجار همانند محمدعلی شاه قاجار (حک. ۱۳۲۴-۱۳۲۷ ق.) بسیاری از تصمیمات مهم خود را برپایه استخاره زنجان‌ی می‌گرفت. محکمه شرعی و مجلس تدریس وی تا هنگام درگذشت او، در تهران دایر بود. زنجان‌ی در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه، به اصرار میرزای شیرازی (م. ۱۳۱۲ ق.) تصمیم گرفت تهران را ترک کند و به عتبات عراق برود؛ ولی ناصرالدین شاه مانع او شد؛ دستخط شاه درباره این مسئله مضبوط است (نک. موسوی میرزایی، ۱۳۲۶: ۴۱).

نام زنجان‌ی در شمار طرفداران وحدت میان مسلمانان و تلاش برای رفع اختلاف میان شیعه و اهل سنت ذکر شده است. شرح حال‌نگاران زنجان‌ی، او را به درستکاری، روشنفکری و فراوانی دانش و آگاهی از اوضاع زمان ستوده‌اند. زنجان‌ی روابط نزدیکی با سید جمال‌الدین اسدآبادی داشت. زنجان‌ی خواستار اتحاد دنیای اسلام بود و پیشوایی عبدالحمید دوم پادشاه عثمانی را برای اتحاد اسلام پذیرفته بود. وی برای یافتن نقاط مشترک مذهبی به مطالعه در عقاید فرقه‌های مختلف اسلامی پرداخت؛ حتی در گزارش‌های محرمانه سفارت بریتانیا، از میرزا ابوطالب با عنوان «مرکز خفیه اتحاد اسلام» یاد شده است (نک. روزنامه ایران، ۱۳۸۹: ۲۰).

پس از اعلان مشروطیت و تشکیل مجلس شورا، بنابه دلایلی که زنجان‌ی از آن به «نتایج ناگوار مجلس» و «توهین به قوانین دین» تعبیر می‌کرد، از صف مشروطه‌خواهان جدا شد و مخالف انقلاب مشروطه شد. گفته شده است که در دربار محمدعلی شاه در مخالفت برای بی‌اثرکردن فتاوی علمای نجف، فتوا داد. وی در تلگرافی که همراه با برخی از علمای

بزرگ، از جمله شیخ فضل‌الله نوری (م. ۱۳۲۷ ق.)، خطاب به عالمان و اعیان زنجان فرستاد، سبب مخالفت خود با مجلس را توهین به مقدسات شمرد و خواهان «تطبیق آن با شریعت طاهره» و تصفیة آن از «اهالی ادیان باطله و مذاهب فاسده» شد. زنجانى همچنین در اجتماع میدان توپخانه همراه با شیخ فضل‌الله نوری و سید علی یزدی - که مردم را به مخالفت با مشروطه فرامی خواندند - حاضر شد. در منابع متعددی، نام میرزا ابوطالب در جایگاه یکی از مخالفان و منتقدان مشروطه آمده است. برپایه گزارش برخی منابع، تصمیم محمدعلی شاه درباره به توپ بستن مجلس مبتنی بر پاسخ استخاره‌ای بوده است که وی از میرزا ابوطالب دریافت کرده بود (صحرائی، ۱۳۹۵).

آثار تألیفی زنجانى غالباً در فقه و اصول است و برخی از آنها عبارت‌اند از: *ایضاح السبل فی الترجیح و التعادل؛ التسامح فی ادلة السنن؛ التنقید فی احکام التقلید؛ حکم الربا فی جمیع الادیان؛ رشحة الخاطر فی تحقیق دعوی المبیح و الحاضر در رد آرای اخباریان؛ المقایس در اصول فقه؛ نومة الیقظان فی حکم کتابی؛ المقتلة العبراء فی مقتل خامس اهل الکساء فی وقعة کربلاء؛ کیمیای سعادت؛ الکفایة فی علم الدراییه؛ مرآة العصر فی تاریخ العصر؛ و آثار مهم دیگر در فلسفه و ادبیات (نک. موسوی میرزایی، ۱۳۲۶: ۴۱).*

زنجانى در ۱۳۲۹ در تهران درگذشت و پس از انتقال به مشهد، در حرم امام رضا (ع) به خاک سپرده شد.

۷-۲-۲ شواهد به سود احتمال اول

شرح حال میرزا ابوطالب زنجانى با بیشتر اطلاعات ما از شکل و محتوای رساله که قبلاً بیان شد، هماهنگ است؛ آنها عبارت‌اند از:

(۱) رساله جوابیه فارسی و مخاطب آن فارس بوده است؛ میرزا ابوطالب زنجانى نیز به زبان فارسی سخن می‌گفته و آثاری نیز به زبان فارسی نگاشته است.

۲) محدوده زمانی مکتوب مستشکل بر فصل الخطاب، بین جمادی‌الآخر ۱۲۹۸ ق. تا محرم ۱۳۰۳ ق. بوده است که میرزا ابوطالب زنجانی از سال ۱۳۰۰ ق. به بعد، به تألیف و تدریس اشتغال داشته و منطقی است که در این زمان، به مطالعه و نقد فصل الخطاب پرداخته باشد.

۳) مستشکل بر فصل الخطاب، از ارکان اعظم بوده است و میرزا ابوطالب زنجانی نیز از ارکان اعظم حوزه علمی تهران بوده است؛ به طوری که جایگاه علمی و تسلط او در شاخه‌های مختلف علوم دینی سبب شد بود که شاهان قاجار به او توجه کنند و احترام بگذارند. همچنین، میرزای شیرازی بزرگ به خاطر شأن وی، اصرار داشته است که او به عتبات و حوزه سرمن‌رای مهاجرت کند که ناصرالدین شاه مانع این مهاجرت شده است.

۴) پیشتر گفته شد که برای کشف هویت نویسنده نامه، لازم است به دنبال شخصیتی بگردیم که سال تولدش، حدود سال ۱۲۵۰ قمری بوده باشد. میرزا ابوطالب زنجانی، متولد سال ۱۲۵۷ قمری است.

۵) مکان مستشکل، شهری به غیر از سرمن‌رای بوده است و میرزا ابوطالب زنجانی نیز در ایران و در تهران ساکن بوده است.

۶) گفته شد که نویسنده شبهات، افزون بر طرح شبهاتش، در نامه‌اش سخنان ناشایست به اهل علم و تقوی نیز نوشته بود و زاویه فکری زیادی با حاجی نوری داشته است؛ یعنی شخصیتی با گرایش‌های اجتماعی و سیاسی متفاوت با محدث نوری بوده است؛ البته شرح حال اجتماعی و سیاسی میرزا ابوطالب زنجانی، گویای این تفاوت نگرش وی با محدث نوری است؛ حتی زنجانی آثاری نیز در مقابله اخباریگری، که مشرب محدث نوری است، داشته است؛ همانند *رشحه الخاطر فی تحقیق دعوی المبیح و الحاضر در رد آرای اخباریان* (رشحه الخاطر در فساد مقالات اخباریه).

۷) مستشکل گرایش ولایی تند نداشته است؛ نام میرزا ابوطالب زنجانی در شمار

طرفداران وحدت میان مسلمانان و تلاش برای رفع اختلاف میان شیعه و اهل سنت ذکر شده است و شرح حال نگاران، او را به روشنفکری ستوده‌اند.

۸) مستشکل متکلم یا فقیه بوده است؛ میرزا ابوطالب زنجانی نیز فقیه اصولی بوده است و آثار متعددی در فقه و اصول دارد.

۹) بیان شد که مستشکل بر *فصل الخطاب*، متأثر از مناقشات بین‌الدیانی بوده است و شاید دستی در اینگونه مباحثات و مناظرات بین‌الدیانی داشته است؛ البته با انتشار کتاب *فصل الخطاب*، برخی از استدلال‌های وی در این مناظرات و مناقشات خنثی شده‌اند. میرزا ابوطالب زنجانی نیز آگاه به اوضاع بین‌المللی بوده است؛ در شرح حالش بیان شد که در مخالفت خود با مجلس، خواهان «تطبيق آن با شریعت طاهره» و تصفیة آن از «اهالی ادیان باطله و مذاهب فاسده» شده بود.

۷-۳ احتمال دوم، محمدحسین شهرستانی

احتمال دوم برای مرسله به میرزای شیرازی، *رساله فی حفظ الکتاب الشریف عن شبهة القول بالتحریف* است. این رساله موجود نیست؛ اما با توجه به محتوای متن چهار صفحه در دسترس، اثر محمدحسین شهرستانی (موجود در *برهان روشن*؛ نک. بروجردی، ۱۳۷۵ ق: ۱۳۸-۱۴۲)، محتمل است که رساله *جوابیه نوری*، در جواب اثر شهرستانی یا نامه مجزایی از وی باشد.

۷-۳-۱ شرح حال محمدحسین شهرستانی

سید میرزا ضیاءالدین محمدحسین حسینی شهرستانی مرعشی حائری، متولد سال ۱۲۵۵ قمری در کرمانشاه است. خاندان شهرستانی از خاندان‌های اهل علم و از سادات شهر کربلا هستند. جد وی، سید محمدحسین حسینی مرعشی از عالمان کربلا بود که بعد از ازدواج با دختر میرزا محمد مهدی موسوی شهرستانی، به «شهرستانی» معروف شد. پدر محمدحسین، سید محمدعلی شهرستانی (م. ۱۲۸۷ ق.) فقیهی از شاگردان سید محمد مجاهد است و آثاری نیز از خود به یادگار گذاشته است.

محمدحسین از هفت سالگی مشغول به تحصیل شد. مقدمات را در کرمانشاه گذراند و در مدتی کوتاه، قرآن را حفظ کرد. بعد از آن به خواندن بعضی از کتاب‌های فارسی و عربی مشغول شد. او توانست دوره مقدمات را در عرض سه سال و در سیزده سالگی به پایان برساند. بعد از آن، به کربلا رفت و در حوزه درسی پدر بزرگوار خود شرکت کرد. او توانست در سال ۱۲۸۲ ق. از پدر خود، اجازه نقل روایت بگیرد.

جدای از شیخ انصاری، استاد مهم دیگر او شیخ محمدحسین فاضل اردکانی (م. ۱۳۰۵ ق.) است که در شعبان سال ۱۲۸۷ قمری اجازه روایتی برای شهرستانی صادر کرده است. همچنین، سید معزالدین محمد مهدی حسینی قزوینی حلی (م. ۱۳۰۰ ق.) نیز از دیگر کسانی است که در سال ۱۲۹۲ ق. برای او اجازه نقل روایت داده است.

سید محمدحسین شهرستانی بعد از وفات استادش، فاضل اردکانی، بر کرسی تدریس و مرجعیت تقلید تکیه زد و در توجه قرار گرفت. آقابزرگ تهرانی درباره او می‌نویسد: «از اعظم علما و بزرگان علمای دین، در زمان خود در کربلا بود». همچنین، محمدعلی مدرس می‌گوید: «از اکابر علمای امامیه اوایل قرن حاضر چهاردهم هجری می‌باشد که حاوی فروع و اصول، جامع معقول و منقول، فقیه حکیم محقق مدقق ادیب شاعر ماهر اصولی، در فطانت و کثرت حافظه و حدت ذهن ممتاز؛ و در کربلای معلی، رئیس مذهبی و مرجع تقلید جمعی وافر از شیعه بود».

شهرستانی در سال ۱۳۰۵ قمری برای زیارت امام رضا (ع)، عازم مشهد شد؛ در بازگشت از این سفر و در سال ۱۳۰۶ ق. به تهران رفت؛ و مردم و رجال دولتی پُرشور از او استقبال کردند. وی بعد از چندی اقامت در تهران به کربلا بازگشت و به تدریس و تألیف و ارشاد و رسیدگی به حوائج مردم پرداخت.

شهرستانی که در کلام و فلسفه اطلاعات وسیعی داشت، برای جلوگیری از رواج شیخیه، به رد شیخیه و حاج محمد کریم‌خان کرمانی پرداخت و مبانی اعتقادی و فلسفی آنان را نقد

کرد. او در حدود سال‌های ۱۲۹۳ تا ۱۳۰۱ ق. چند کتاب در ردّ این گروه نوشت. وی همچنین، به ردّ نصارا نیز پرداخته است و کتاب‌های *سبیل النجاة و طریق النجاة*، دو کتاب او در ردّ نصارا هستند.

در مقدمه کتاب *اشک روان*، صد اثر از او را برشمرده‌اند. این آثار در موضوعات فقهی، اصولی، اعتقادی، تفسیری، حدیثی، شعر، ریاضیات، هیئت جدید و قدیم، علوم غریبه، اخلاق، مناجات است. برخی از آثار شهرستانی عبارت است از: *الآیات المحکّمات فی دفع الشبهات؛ نورالمبین فی اصول الدین؛ رساله در اثبات عدم تحریف قرآن*. وی همچنین، متون متعددی نیز به زبان فارسی دارد؛ همانند *اشک روان بر امیر کاروان*. این کتاب ترجمه فارسی *خصائص الحسینیّه شوشتری* است.

شهرستانی در شوال ۱۳۱۵ ق. درگذشت و در بقعه آل شهرستانی در ایوان حسینی به خاک سپرده شد (نک. فاضل قاینی، ۱۴۰۵ ق، ج ۱: ۲۲۹).

۷-۳-۲ شواهد به سود احتمال دوم

شرح حال محمدحسین شهرستانی نیز با بیشتر اطلاعات ما از شکل و محتوای رساله جوابیه که قبلاً بررسی شد، هماهنگ است؛ آنها عبارت‌اند از:

(۱) رساله جوابیه فارسی و مخاطب آن فارس بوده است؛ محمدحسین شهرستانی نیز به زبان فارسی سخن می‌گفته و آثاری نیز به زبان فارسی نگاشته است.

(۲) محدوده زمانی مکتوب مستشکل بر *فصل الخطاب*، بین جمادی‌الآخر ۱۲۹۸ ق. تا محرم ۱۳۰۳ ق. بوده است؛ محمدحسین شهرستانی از سال ۱۲۹۳ ق. به بعد به تألیف و نگارش اشتغال داشته است و منطقی است در این زمان، به مطالعه و نقد *فصل الخطاب* پرداخته باشد.

(۳) مستشکل بر *فصل الخطاب*، از ارکان اعظم بوده است؛ محمدحسین شهرستانی نیز از ارکان اعظم حوزه کربلا بوده است و بعد از وفات استادش فاضل اردکانی (م. ۱۳۰۵ ق.) بر کرسی تدریس و مرجعیت تقلید تکیه زده است.

۴) پیشتر گفته شد که برای کشف هویت نویسنده نامه لازم است به دنبال شخصیتی بگردیم که سال تولدش، حدود سال ۱۲۵۰ قمری بوده باشد. شهرستانی نیز متولد سال ۱۲۵۵ قمری بوده است.

۵) مکان مستشکل، شهری به غیر از سرمن‌رای بوده و محمدحسین شهرستانی نیز در کربلا ساکن بوده است.

۶) مستشکل، متکلم یا فقیه بوده است؛ شهرستانی نیز فقیه اصولی بوده است و آثاری در فقه و اصول دارد.

۷) بیان شد که مستشکل بر *فصل الخطاب*، متأثر از مناقشات بین‌الدیانی بوده و شاید دستی در اینگونه مباحثات و مناظرات بین‌الدیانی داشته است که با انتشار کتاب *فصل الخطاب*، برخی از استدلال‌های وی در این مناظرات و مناقشات خنثی شده‌اند. محمدحسین شهرستانی نیز به ردّ نصارا پرداخته است و کتاب *سبیل النجاة* و *طریق النجاة* وی در ردّ نصارا هستند.

۸) جدای از همه اینها، شهرستانی حافظ قرآن بوده و کتابی نیز در رد *فصل الخطاب* محدث نوری نوشته است.

۷-۴ احتمال سوم، دیگران

افراد متعدد دیگری که اکنون مدنظر ما نیستند نیز ممکن است با تمام مشخصات و شواهد شکلی و محتوایی رساله محدث نوری که قبلاً بررسی شد، هماهنگ باشند؛ بنابراین ممکن است هیچ‌کدام از دو احتمال قبلی، یعنی میرزا ابوطالب و محمدحسین شهرستانی مطابق با واقع نباشند و نویسنده شباهت بر *فصل الخطاب*، شخص دیگری به جز اینها باشد.

۸- نتیجه‌گیری

۱) بنابر اطلاعات نسخه‌شناسی، شش نسخه خطی از رساله جوابیه محدث نوری شناسایی شد که محل نگهداری چهار عدد آنها مشخص است و به بقیه دسترسی حاصل نشد.

۲) رساله جوابیه حاجی نوری، شامل یک مقدمه در داستان نگارش جوابیه است که یک صفحه اول جوابیه را به خود اختصاص داده است. نوزده صفحه دیگر رساله، پاسخ به سه سؤال یا شبهه اشکال‌کننده بر *فصل الخطاب* است که عبارت‌اند از: الف) با اثبات تحریف، قرآن بی اعتبار می شود؛ ب) با اثبات تحریف، انتساب قرآن به پیامبر متفی می شود؛ ج) با اثبات تحریف، معجزه برای پیغمبر ثابت نشود.

۳) برخی از اطلاعاتی که می توان از وضعیت شکلی و فیزیکی رساله جوابیه استنباط کرد، عبارت است از: رساله جوابیه فارسی و مخاطب آن فارس بوده است؛ رساله محدث نوری عنوان ندارد؛ رساله خطاب صریح و نام مخاطب ندارد؛ اطلاعاتی درباره محدودۀ زمانی مکتوب مستشکل بر *فصل الخطاب*.

۴) از چند قسمت جوابیه حاجی نوری نیز می توان اطلاعاتی درباره اشکال‌کننده بر او به دست آورد: مستشکل بر *فصل الخطاب* از ارکان اعظم بوده است؛ سن و سال مخاطب رساله جوابیه؛ مکان مستشکل و شکل فیزیکی نوشته اشکالات؛ زاویه فکری یا احیاناً سیاسی مخاطب رساله جوابیه؛ مستشکل، گرایش ولایی تند نداشته است؛ مستشکل، متکلم یا فقیه بوده است؛ مستشکل، متأثر از مناقشات بین‌الدیانی بوده است.

۵) با توجه به اینکه جوابیه محدث نوری، ارتباطی با کتاب *کشف الارتیاب* و شخص معرب تهرانی ندارد، اکنون لازم است طبق شواهد شکلی و محتوایی رساله نوری و جریانان پیرامون *فصل الخطاب* در ایران و عراق، وی شناسایی شود. هرچند شاید دقیقاً نتوان این هویت را روشن کرد؛ ولی بالاخره می توان در این باره، با توجه به ردیه‌های زمان حیات محدث نوری بر *فصل الخطاب*، احتمالاتی را در نظر گرفت که عبارت است از: احتمال اول، میرزا ابوطالب زنجانی؛ احتمال دوم، محمدحسین شهرستانی. همچنین، افراد متعدد و محتمل دیگری که اکنون مدنظر نیستند، ممکن است با تمام مشخصات و شواهد شکلی و محتوایی رساله محدث نوری، هماهنگ باشند.

در جمع‌بندی شواهد و قراین، باید گفت اطلاعات موجود ما از وضعیت شکلی و محتوایی رساله محدث نوری، با هر دو نفر احتمالی، یعنی میرزا ابوطالب زنجانی و محمدحسین شهرستانی، تقریباً هماهنگ هستند؛ ولی چون نه متن تقریظ میرزا ابوطالب بر کشف الإرتیاب و نه متن رساله ردیه شهرستانی در دست است، نمی‌توان مصداق قطعی برای نویسنده اشکالات و شبهات بر فصل الخطاب تعیین کرد که مخاطب رساله جوابیه محدث نوری است.

منابع

۱. استادی، کاظم (۱۳۹۶). کتابشناسی عدم تحریف قرآن، قم: مشعر.
۲. استادی، کاظم (۱۴۰۰ک). «معرفی رساله در جواب شبهات به فصل الخطاب»، مخطوط، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی.
۳. استادی، کاظم (۱۴۰۰گ). «مآخذشناسی ردیه‌های بر کتاب فصل الخطاب محدث نوری»، مخطوط، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی.
۴. استادی، کاظم (۱۴۰۰ل). «نسخه‌شناسی و بازشناسی کتاب کشف الإرتیاب»، مخطوط، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی.
۵. استادی، کاظم (۱۴۰۰م). «معرفی رساله در جواب شبهات به فصل الخطاب»، مخطوط، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی.
۶. اسفندیار، محمودرضا (۱۳۸۶). «نگاهی به مجادلات قلمی هنری مارتین و عالمان عصر قاجار درباره نبوت خاصه»، پژوهشنامه ادیان، س ۱، ش ۲، ۲۹-۵۸.
۷. امین عاملی، سید محسن (۱۴۲۱ق.). اعیان الشیعه، بیروت: دارالتعارف.
۸. بروجردی، میرزا مهدی (۱۳۷۵ق.). برهان روشن (البرهان علی عدم تحریف القرآن)، تهران: بوذرجمهری.

۹. تهرانی، آقابزرگ (۱۴۰۴ ق.). *نقباء البشر فی القرن الرابع عشر*، مشهد: دارالمرتضی.
۱۰. تهرانی، آقابزرگ (۱۴۰۸ ق.). *الذریعة الی تصانیف الشیعه*، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۱۱. حجتی، سید محمدباقر (۱۳۸۳). «گزارش مأموریت سفر دهلی به منظور شرکت در کنفرانس «ایفلا» و مطالعات اجمالی راجع به نسخه‌های خطی اسلامی در هند»، *تحقیقات علوم قرآن و حدیث*، دوره ۱، ش ۲، ۹۷-۱۲۳.
۱۲. رضوی، سید شمیم حیدر (۱۳۹۱). *مؤلفین امامیه شبه‌قاره قرن نوزدهم میلادی* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، قم: جامعه المصطفی العالمیه.
۱۳. روزنامه ایران (۱۳۸۹). «سرانجام سید جمال‌الدین اسدآبادی»، *روزنامه ایران*، ۲۰ اردیبهشت.
۱۴. سائلی، مجید (۱۳۸۹). «رسالات جدلی در باب مسیحیت و اسلام (مجموعه مشاجرات قلمی هنری مارتین و علمای شیعی ایران)»، *پیام بهارستان*، س ۲، ش ۷، ۶۱۷-۶۴۴.
۱۵. صحتی سردرودی، محمد (۱۳۷۴). *محدث نوری (روایت نور)*، قم: انصاریان.
۱۶. صحرايي، شهرام (۱۳۹۵). *میرزا ابوطالب زنجانی (مقاله مدخل دانشنامه جهان اسلام)*، تهران: دانشنامه جهان اسلام.
۱۷. فاضل‌قائینی، علی (۱۴۰۵ ق.). *معجم مؤلفی الشیعه*، تهران: وزارت الثقافة و الإرشاد الإسلامی.
۱۸. موسوی میرزایی، سید کاظم (۱۳۲۶). «ترجمه احوال مرحوم میرزا ابوطالب موسوی زنجانی»، *مجله یادگار*، ش ۸، ۳۵-۴۴.
۱۹. نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۳۸۵). *سيف الامة و برهان الملة*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۲۰. نوری، حسین بن محمدتقی (۱۲۹۸ ق). *فصل الخطاب فی تحریف کتاب رب الارباب*، بی‌جا: چاپ سنگی.
۲۱. نوری، حسین بن محمدتقی (۱۳۰۳ ق). *رساله جوابیه*، نسخه خطی، نجف: کتابخانه آیت‌الله حکیم.
۲۲. نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۱۵ ق). *خاتمه مستدرک الوسائل*، قم: مؤسسه آل‌البیت (ع).
۲۳. نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۱۹ ق). *الفیض القدسی فی ترجمه العلامة المجلسی*، بی‌جا: مرصاد.